

دروود به همه عزیزان معارف ربانی مولانا.

پرسشی مطرح شده بود و عزیزان هر کدام پاسخهایی دادند که قابل استفاده می باشد

پرسش این بود :

پرسش رسیده عزیزان پاسخ دهند بعد پاسخ مولانا را می آوریم

پرسش: با صد ناز و درخواست به خواستگاری دختری می روید و ازدواج میکنید اما بعد این ناز ها در بسیاری چشم ها و چشم تو خوار میگردد ؟ علت چیست

در مورد دلسرد شدن زود هنگام زوجها در ازدواج عزیزان هر کس از دیدگاه خود

---

اکنون مولانا در همین راستا پرسشهای دیگری را می آورد میگوید که تنها ازدواج این گونه نیست . چرا

سخنی از حکمت میشنوی و ذوق میکنی اما بعد روزی ذوق می رود میگوئی باز هم شنیده ام نگو تازه بگو اگر هم تازه بگوید باز زود ذوق تمام میشود . یا از معارف رحمانی سخن ناب می شنوی و چاق میشوی چرا بعد زود تمام میشود و دوباره مایل نیستی بشنوی؟ این سخن مولانا به دنبال همان پرسش ازدواج است . عزیزان پاسخ دهند تا بعد مولانا مشکل اصلی و علت را بگوید و جان شما تازه گردد .

پاسخهای مهمی بود که خانم راضیه و آقای شفیق دادند ، بسیار آموزنده و راههای درمان ملالت و افسردگی است . کنار آمدن با مشکلات را بارها مولانا آورده است این جا درمانهای افسردگی است که به فرد اعتماد به نفس می دهد که با مشکلات بسازد و مشکل را شریک خود بداند . تا اینجا درست . کنار آمدن با مشکلات هم کار آسانی نیست خطر هم آماده است تا اعتماد به نفس کمی کاهش یافت دوباره ما را آزار دهد این راه در دنیا راهگشای موقت است چون ریشه افسردگی باقی است و خفته است . مولانا به ریشه کن کردن افسردگی پرداخته است به این غزل توجه فرمائید

به ما گفت شما به سمت بیقراری بروید خود قرار به سوی شما می آید .

آن نفسی که باخودی بسته ابر غصه ای - وان نفسی که بیخودی مه به کنار آیدت

آن نفسی که باخودی همچو خزان فسرده ای - وان نفسی که بیخودی دی چو بهار آیدت

جمله بیقراریت از طلب قرار توست - طالب بیقرار شو تا که قرار آیدت

جمله ناگوارشت از طلب گوارش است - ترک گوارش ار کنی زهر گوار آیدت

جمله بی‌مراودیت از طلب مراد توست - ورنه همه مرادها همچو نثار آیدت

سخن از بیخودی میکند که همان بیهوشی است که ما در گوگل میت بدان پرداخته و می پردازیم

محرم این هوش جز بیهوش نیست - مر زبان را مشتری جز گوش نیست

یعنی از این هشیاری زود گذر کنار روید

ما در گوگل میت فردا این را بیشتر شرح می دهیم چون در همان بیت کلیدی هستیم و مثالهای مولانا را هم می آوریم که چگونه افرادی به این بیهوشی رسیدند و افسرگی محو شده است .